Print ISSN: 2008-8744
online ISSN: 2228-7612
Jurisprudence and the Fundaments of the Islamic Law
University of Tehran Faculty of Theology and Islamic Studies

The Jurisprudential Dimensions of Liking in Social Media with an Emphasis on the Evidences of Consent and Disapproval

Vahid Ghorbani[1] | Mohammad Rahnama[2]

1. Lecturer, Seminary of Qom, Qom, Iran. Email: ghorbanivahid110@gmail.com
2. Corresponding Author, Level 3 Graduate, Jurisprudential Center of Ahl al-Bayt (AS), Qom, Iran. Email: mo.78.qo@gmail.com

Abstract

With the rapid expansion of social networks, digital reactions have become a fundamental component of modern communication. Among these, the «like» function serves as a means of expressing approval, agreement, or support for published content. In addition to its direct impact on content dissemination algorithms, this action carries various jurisprudential rulings that most users are unaware of. This study examines the jurisprudential nature of «liking» and seeks to analyze its Islamic legal foundations based on the principles of consent (riḍā) and discontent (sukht).

Using a descriptive-analytical approach and relying on jurisprudential and legal sources, this research explores the position of liking within the Islamic legal framework for evaluating user behaviors. It assesses the meaning of the like function, its social implications, and its role in content dissemination. Furthermore, the study examines whether liking can be interpreted as an expression of approval for prohibited actions, analyzing this behavior in light of Islamic jurisprudential principles and legal deduction methods.

One of the most significant jurisprudential foundations in this regard is the principle of «consent and discontent,» which suggests that if an individual agrees with, supports, or endorses an action, they share in its legal and moral consequences. However, applying these principles to digital interactions such as liking presents interpretative challenges, which are discussed in this study. Given the widespread impact of this phenomenon and the lack of independent research on its jurisprudential ruling, this study aims to answer the question: What is the Islamic legal judgment on liking in social networks based on the principles of consent and discontent?

The findings indicate that approval and disapproval through likes and dislikes have significant jurisprudential consequences. This study emphasizes the necessity of user awareness regarding the legal and ethical dimensions of digital interactions. Additionally, it highlights the importance of establishing clear Islamic legal frameworks to regulate digital behaviors in accordance with Shari'a principles.

Keywords: Social Media, Digital Interactions, Consent to a Forbidden Act, Liking.

Print ISSN: 2008-8744
online ISSN: 2228-7612
Jurisprudence and the Fundaments of the Islamic Law
University of Tehran
Faculty of Theology and Islamic Studies

Cite this article: Ghorbani, V., & Rahnama, M. (2025). The Jurisprudential Dimensions of Liking in Social Media with an Emphasis on the Evidences of Consent and Disapproval. *Jurisprudence and the Fundaments of the Islamic Law*, 57 (2), 463-485. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.
© The Author(s).
DOI:https://doi.org/10.22059/jjfil.2025.383940.669743

Article Type: Research Paper
Received: 18-Oct-2024
Received in revised form: 11-Feb-2025
Accepted: 11-Feb-2025
Published online: 8-Mar-2025

دانشگاه تهران
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
فقه و مبانی حقوق اسلامی
شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۸۷۴۴
شاپا الکترونیکی: ۲۲۲۸-۷۶۱۲

ابعاد فقهی لایک کردن در شبکه‌های اجتماعی با تاکید بر ادلهٔ رضایت و سخط

وحید قربانی[۱] | محمد رهنما[۲] ✉

۱. مدرس سطح عالی، حوزهٔ علمیهٔ قم، قم، ایران. رایانامه: ghorbanivahid110@gmail.com
۲. نویسندهٔ مسئول، دانش‌آموختهٔ سطح ۳، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، قم، ایران. رایانامه: mo.78.qo@gmail.com

چکیده

با توسعه سریع شبکه‌های اجتماعی، واکنش‌های دیجیتال به یکی از مؤلفه‌های اساسی در ارتباطات معاصر تبدیل شده‌اند. از جمله این واکنش‌ها، سازکار «لایک» (پسند) است که به‌عنوان ابزاری برای ابراز تأیید، همراهی یا حمایت از محتوای منتشرشده عمل می‌کند. این اقدام، علاوه بر تأثیرگذاری مستقیم بر الگوریتم‌های انتشار محتوا، از منظر فقهی احکام شرعی گوناگونی دارد که اغلب کاربران از آن بی‌اطلاعند. پژوهش حاضر به بررسی ماهیت فقهی «لایک کردن» پرداخته و تلاش دارد مبانی اسلامی مرتبط با این کنش را با تکیه بر ادله فقهی رضایت و سخط مورد تحلیل قرار دهد.این مطالعه با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع فقهی و اصولی، جایگاه لایک را در نظام ارزیابی فقهی رفتارهای کاربران واکاوی کرده و دلالت آن را بر ابراز رضایت به فعل حرام بررسی می‌کند. در این راستا، مفهوم لایک، کارکردهای اجتماعی آن و میزان اثرگذاری آن در گسترش محتوا مورد ارزیابی قرار گرفته و سپس این رفتار از منظر اصول فقهی و مبانی استنباط احکام شرعی تحلیل شده‌است.از مهم‌ترین مبانی فقهی در این زمینه، ادله‌ای است که تحت عنوان «رضایت و سخط» بر مشارکت فرد راضی، در عمل دیگران دلالت دارد. این ادله نشان می‌دهند که اگر فردی با عمل دیگری موافق باشد و آن را حمایت یا تایید کند، در آثار و تبعات آن نیز شریک است. در مسیر تطبیق این ادله بر لایک و سایر واکنش‌ها، چالش‌هایی وجود دارد که در این نوشتار بررسی شده‌است. با توجه به اثرگذاری گسترده این پدیده و نبود پژوهشی مستقل در زمینه حکم فقهی آن، این تحقیق درصدد پاسخ به این پرسش است که از منظر فقه اسلامی با توجه به ادله رضایت و سخط، لایک کردن در شبکه‌های اجتماعی چه حکمی دارد؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تأیید و رضایت از طریق لایک و دیس لایک (نپسند)، پیامدهای سنگینی در حوزه احکام فقهی دارد. این پژوهش تأکید دارد که آگاهی کاربران از ابعاد فقهی تعاملات دیجیتال ضروری بوده و تدوین چارچوب‌های مشخص فقهی برای این حوزه می‌تواند به تنظیم رفتارهای دیجیتال در راستای اصول شرعی کمک کند.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی، تعاملات دیجیتال، رضایت به فعل حرام، لایک کردن.

دانشگاه تهران
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
فقه و مبانی حقوق اسلامی
شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۸۷۴۴
شاپا الکترونیکی: ۲۲۲۸-۷۶۱۲

استناد: قربانی، وحید، و رهنما، محمد (۱۴۰۳). ابعاد فقهی لایک کردن در شبکه‌های اجتماعی با تاکید بر ادلهٔ رضایت و سخط. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۷ (۲)، ۴۶۳-۴۸۵.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران
© نویسندگان
DOI: https://doi.org/10.22059/jjfil.2025.383940.669743

نوع مقاله: علمی-پژوهشی
دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۷
بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳
پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳
انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

مقدمه

تأثیر شبکه‌های اجتماعی همواره بر روابط و تعاملات انسانی در حال افزایش و دگرگونی است. این بسترها که به عنوان «زیست‌بوم دیجیتال» (نیک افروز، ۱۴۰۱) شناخته می‌شوند، موجب تغییرات عمده و چالش‌های گوناگونی در ابعاد مختلف شده‌اند. یکی از چالش‌های نوپیدا که تاثیرات و مسائل فقهی مرتبط با آن از طرف اغلب کاربران مورد بی‌توجهی قرار گرفته، عمل لایک (پسند) در شبکه‌های اجتماعی است. در نگاه اول، عمل لایک ممکن است تنها به‌عنوان یک واکنش ساده به محتوا تلقی شود، اما درواقع این عمل ظاهراً ساده و کم اهمیت، حامل معانی و تأثیرات متعددی است که از دیدگاه فقهی، پیامدهای پیچیده‌ای، به‌ویژه در ابعاد رضایت و سخط، در پی دارد.

بنابراین، بررسی حکم فقهی لایک و دیس لایک (نپسند) در شبکه‌های اجتماعی بر محور ادله رضایت و سخط، می‌تواند به تدوین چارچوبی نظری و عملی برای تنظیم سبک رفتاری کاربران در فضای مجازی کمک کند و در عین حال، از تأثیرات منفی آن بکاهد و بر تأثیرات مثبت آن بیافزاید. اهداف اصلی پژوهش حاضر، تشریح و تحلیل ابعاد فقهی لایک در شبکه‌های اجتماعی و بررسی چالش‌های فقهی در تطبیق ادله رضایت و سخط بر این پدیده معاصر است. به منظور دستیابی به این اهداف، پژوهش حاضر به پاسخگویی به سؤالات زیر خواهد پرداخت:

الف) لایک در شبکه‌های اجتماعی چه تأثیراتی در ابعاد فردی و اجتماعی دارد؟

ب) تطبیق ادله رضایت و سخط بر پدیده لایک، با چه چالش‌هایی مواجه است؟

ج) نیت و قصد کاربران در تعیین حکم شرعی عمل لایک از چه جایگاهی برخوردار است؟

این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی در پی آنست با تفکیک مصادیق مختلف عمل لایک و دیس لایک و ارزیابی ابعاد فقهی آن، نقشی موثر در مدیریت سبک رفتاری کاربران ایفا کند. نتایج این پژوهش به عنوان مرجعی علمی و عملی در حوزه فقه و علوم اسلامی، به‌ویژه در بررسی تعاملات دیجیتالی و اخلاقیات معاصر، کاربرد دارد.

ادبیات موضوع و پیشینهٔ پژوهش

از مبانی مغفول فقهی در تحلیل حکم لایک و دیس لایک، ادله رضایت و سخط است. پیشینه نظری این بحث در متون فقهی، هرچند به تحلیل رفتارهای فردی و اجتماعی پرداخته‌است، اما تاثیرات چشمگیر ناشی از این شبکه‌ها، چالش‌های نوپیدایی در تطبیق این ادله ایجاد می‌کند. از این رو این ادله، که در برخی تقریرات دروس خارج حوزوی، از جمله توسط استاد شب‌زنده‌دار، مطرح شده‌اند، نیازمند تطبیق و تحلیل دقیقی در زمینه لایک می‌باشند. به همین دلیل، بازنگری در تطبیق این مفاهیم از منظر فقهی ضرورت یافته‌است.

با وجود رشد چشمگیر تحقیقات در زمینه چالش‌های شبکه‌های اجتماعی و تأثیرات آن‌ها، ابعاد فقهی عمل لایک و دیس لایک هنوز به‌طور جامع و تخصصی مورد بررسی قرار نگرفته‌است. مرور منابع موجود نشان می‌دهد که پژوهش‌هایی نظیر «شبکه‌های اجتماعی» (رضایت‌پور، ۱۳۹۷)، «بیم موج» (رهبر، ۱۳۹۸)، «لایک ممنوع» (حسینی، ۱۴۰۱) و «احکام شبکه‌های اجتماعی» (صادقی، ۱۳۹۵)، هرچند به‌طور اجمالی و گذرا به برخی جنبه‌های فقهی لایک پرداخته‌اند، اما هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به‌صورت جامع و تفصیلی به تحلیل حکم لایک از جنبه فقهی آن نپرداخته‌اند. مثلاً در کتاب «بیم موج»، تنها به‌طور کلی به برخی ادله فقهی اشاره شده‌است، بدون آنکه این ادله به‌طور مستقیم و کاربردی بر پدیده لایک تطبیق شوند. علاوه بر این، کتاب «لایک ممنوع» رویکردی غیر فقهی دارد و بیشتر بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی متمرکز است. همچنین، «احکام شبکه‌های اجتماعی» به مسائلی غیر از لایک پرداخته‌است. بنابراین خلأ قابل توجهی در زمینه تحلیل فقهی لایک در منابع مرتبط با این موضوع به چشم می‌خورد.

روش‌شناسی پژوهش

۱. نوع تحقیق: پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و هدف از این رویکرد، تبیین مفاهیم ادله رضایت و سخط و تطبیق آن‌ها با لایک و دیس‌لایک است.

۲. انتخاب نمونه و معیارهای انتخاب: در این پژوهش «نمونه» اصلی، منابع کتابخانه‌ای، مقالات پژوهشی، کتب تخصصی فقه و روایات مرتبط با ادله رضایت و سخط و آثار تحلیلی پیشین در این موضوع است. معیارهای انتخاب این منابع:

۲-۱. ارتباط موضوعی: تطبیق دقیق با موضوع بررسی ابعاد فقهی لایک و دیس لایک در بستر شبکه‌های اجتماعی.

۲-۲. اعتبار علمی و سندیت: استفاده از منابع معتبر و شناخته‌شده در حوزه فقه و علوم اسلامی.

۲-۳. روزآمدی: توجه به آثار منتشر شده در دهه‌های اخیر به‌منظور همخوانی با پدیده‌های نوین دیجیتال.

۳. ابزارهای گردآوری داده

۳-۱. مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی: مرور و نقد منابع چاپی و الکترونیکی مرتبط با موضوع پژوهش.

۳-۲. تحلیل متنی و تطبیقی: جهت استخراج و تطبیق ادله رضایت و سخط از متون روایی و فقهی بر لایک و دیس لایک.

۴. روش جمع‌آوری داده

۴-۱. شناسایی منابع اولیه و ثانویه: تعیین کتب و مقالات کلیدی مرتبط با موضوع

۴-۲. استخراج داده‌های متنی به روش تحلیل محتوایی

۴-۳. تطبیق و نقد متون: بررسی تطبیقی ادله رضایت و سخط

۵. ملاحظات اخلاقی

۵-۱. احترام به حقوق مالکیت فکری: تمامی ارجاعات و استنادها به‌طور کامل و دقیق انجام شده‌است.

۵-۲. شفافیت در گزارش‌دهی: تمامی مراحل پژوهش به‌طور شفاف و مستند ارائه شده‌است.

۵-۳. حفظ انسجام و صحت علمی: با توجه به حساسیت موضوعات دینی و فقهی، تمامی داده‌ها و تحلیل‌ها مورد بررسی دقیق و نقد همتایان قرار گرفته و از صحت علمی آن‌ها اطمینان حاصل شده‌است.

۵-۴. پیروی از اصول اخلاق پژوهش: نویسندگان اصول اخلاقی را در تدوین و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند.

۵-۵. مشارکت نویسندگان: جمع‌آوری داده‌ها، تهیه گزارش پژوهش و تحلیل داده‌ها: محمد رهنما؛ استاد راهنمای مقاله، نظارت بر مراحل انجام پژوهش، بررسی و کنترل نتایج، بازبینی: استاد وحید قربانی

۵-۶. تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

۵-۷. حامی مالی: بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله حامی مالی ندارد.

۵-۸. سپاسگزاری: از معاونت محترم پژوهش سطح مرکز فقهی ائمه أطهار (علیهم السلام) جناب استاد ابوالفضل محمدی مجد و جناب استاد وحید قربانی به خاطر حمایت معنوی و همکاری در اجرای پژوهش و داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و استاد سید محمد احمدی و استاد حقجو به جهت ارائه نقدهای ارزشمند سپاسگزاری می‌شود. هم چنین از استاد محترم ابوالفضل رهنما که زحمت بازبینی و ارزیابی دقیق علمی و ارائه راهنمایی اساسی در نگارش نهایی مقاله داشتند، کمال تشکر به عمل می‌آید.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از دکمه‌های لایک و دیس‌لایک در شبکه‌های اجتماعی تنها یک تعامل سطحی و صرفاً اجتماعی نیست، بلکه دارای ابعاد فقهی عمیقی است که در آن ادله رضایت و سخط به عنوان یکی از مبانی اصلی تحلیل مطرح می‌شوند. به طور کلی، دستاوردهای اصلی پژوهش به شرح زیر است:

۶. **ابراز رضایت و سخط نشانه مشارکت در احکام و تبعات فقهی**: استفاده از دکمه‌های لایک و دیس‌لایک به منزله اظهار رضایت یا سخط نسبت به محتوا است؛ لذا لایک کردن محتوای حرام، موجب شراکت در گناه می‌شود و دیس‌لایک از حمایت از محتوای منفی جلوگیری می‌کند.

۷. **تطبیق ادله رضایت و سخط با پدیده‌های معاصر:** آموزه‌های فقهی رضایت و سخط، با حل چالش‌هایی بر لایک و سایر واکنش‌ها تطبیق می‌یابند؛ زیرا در عرف، لایک و دیس لایک به عنوان مظهر رضایت و سخط، محسوب می‌شوند.

۸. **ابعاد فردی و اجتماعی لایک کردن:** لایک و دیس لایک علاوه بر ابعاد روانشناختی و انتخاب شخصی، در شکل‌دهی به هنجارهای اجتماعی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی نقش مؤثری دارد.

۹. **اثرات ناشی از عدم تطبیق ادله فقهی:** نادیده گرفتن تطبیق ادله رضایت و سخط در مسئله لایک و دیس لایک، موجب ابهام فقهی و پیامدهای منفی اجتماعی مانند ترویج رفتارهای ناپسند می‌شود.

۱۰. **نقش نیت در ترتب احکام رضایت و سخط بر لایک:** از منظر عرف، نفس تحقق لایک و دیس لایک، ترتب آثار شرعی رضایت و سخط را به دنبال دارد، حتی اگر قصد آگاهانه‌ای در این اعمال وجود نداشته باشد.

۱. شیوه‌های ابراز واکنش در شبکه‌های اجتماعی

در شبکه‌های اجتماعی، کاربران با روش‌های مختلفی واکنش خود را نسبت به محتوا ابراز می‌کنند. این واکنش‌ها علاوه بر نمایش نگرش‌های فردی، بر الگوریتم‌های انتشار محتوا و شکل‌گیری افکار عمومی نیز تأثیرگذار هستند. سه شیوه رایج در این زمینه عبارت‌اند از:

۱. **لایک (Like)**: لایک به معنای تأیید، علاقه یا مطابقت با میل شخصی است (مک کیو، ۱۳۸۵) و در شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزاری برای ابراز رضایت و موافقت استفاده می‌شود. (رضایت پور، ۱۳۹۷: ۲۶) تحلیل‌گران فضای دیجیتال این رفتار را نشانه‌ای از ارزش‌ها و باورهای کاربران می‌دانند. (متمم، ۱۴۰۲)

۲. **دیس‌لایک (Dislike)**: دیس‌لایک به معنای عدم علاقه یا مخالفت با محتوا است و متضاد لایک محسوب می‌شود. (مک کیو، ۱۳۸۵) این دکمه علامت نارضایتی کاربران بوده و در برخی پلتفرم‌ها بر نمایش و رتبه‌بندی محتوا تأثیر می‌گذارد.

۳. **فول‌لایک (Full Like)**: فول‌لایک زمانی رخ می‌دهد که کاربر تمام پست‌های یک صفحه را لایک کند. این اقدام معمولاً به‌عنوان حمایت کامل از محتوا یا جلب توجه صاحب صفحه تلقی می‌شود. از منظر الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی، فول‌لایک می‌تواند باعث افزایش بازدید و اعتبار صفحه شود.

واکنش‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی، نقشی فراتر از ابراز احساسات فردی دارند و در مدیریت اطلاعات و تعاملات دیجیتال تأثیرگذارند. بررسی این واکنش‌ها از جنبه‌های فقهی، روان‌شناختی و الگوریتمی، برای درک پیامدهای آن‌ها در فضای مجازی ضروری است.

۲. قدرت پنهان لایک: از تاثیرات فردی تا تغییرات اجتماعی

بر اساس نظریه «اثر پروانه‌ای» (اولسن، ۱۳۹۹)، حتی کوچک‌ترین اعمال نظیر لایک و دیس لایک می‌تواند تأثیرات کوچک یا بزرگی در ابعاد فردی یا اجتماعی به دنبال داشته باشند. از آن‌جایی‌که مطابق آموزه‌های فقهی، مکلفین در برابر کوچکترین اعمال خود و تبعات آن نیز مسئولند، (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۰) با بهانه‌های واهی نظیر ظاهر ساده و کم اهمیت این دکمه‌ها، نمی‌توان از زیر بار مسئولیت‌های فقهی آن در ابعاد گوناگون شانه خالی کرد! در این مقاله به اختصار به برخی از این ابعاد و احکام فقهی آن اشاره می‌شود زیرا تمرکز اصلی این نوشتار بر بررسی حکم فقهی لایک و دیس لایک از ناحیه تطبیق ادله رضایت و سخط است.

۱. **باتلاق لایک و تغییر تدریجی هویت‌ها**: با وجود این‌که هدف این پژوهش بررسی ابعاد فقهی لایک است، نادید گرفتن تأثیرات روانشناختی این رفتار، می‌تواند منجر به درکی سطحی از ابعاد فقهی این گونه تعاملات در فضای مجازی گردد. لایک و دیس لایک فراتر از یک تعامل ساده، با اسارت ذهن در قفس شمارش و تایید لایک‌ها، به تدریج و ناخودآگاه باورها، شخصیت و ساختار هویت فردی و جمعی افراد، دستخوش تغییرات اساسی شده که عملاً آن‌ها را به نسخه دیگری از خودشان تبدیل کرده‌است. از این رو گزاره (شما همان مطالبی هستید که لایک می‌کنید! (متمم، ۱۴۰۲)) در میان تحلیل‌گران رایج شده‌است. این امر شاهدی بر تأثیر روان‌شناختی این واکنش‌ها در تغییر الگوهای فکری، عقیدتی و هویتی آنهاست.

توجه به عمق این مطالب، ضرورت بحث، تدوین و رعایت قوانین فقهی از سوی مکلفین در قبال واکنش به محتوای مجازی، بیش از پیش احساس می‌شود. به همین دلیل، لازم است بررسی شود که چگونه یک واکنش ساده، مانند لایک، می‌تواند از نظر شرعی مصداق تأیید یا رد یک محتوا تلقی شود و چه پیامدهایی در ترویج یا جلوگیری از گناه به دنبال دارد.

۲. **امواج قدرتمند لایک و حاکمیت بر افکار عمومی**: پدیده «اثر مرکب» (هاردی، ۱۴۰۰) نشان می‌دهد که ابراز واکنش از طریق لایک یا دیس‌لایک، به‌عنوان نوعی نظرسنجی غیررسمی، می‌تواند تأثیر دومینویی و قدرتمندی در شکل‌دهی، مهندسی، مدیریت و کنترل افکار عمومی داشته باشد. این واکنش‌ها در تحول باورها، جلب توجه جمعی، تغییر هنجارهای اجتماعی، شناخت سلایق عمومی، و حتی در ترور شخصیتی و عملیات روانی نقش بسزایی ایفا می‌کنند؛ چه در جهت منفی و چه در مسیر رشد و تعالی. تحلیل آماری این داده‌ها، ابزار مهمی برای درک و ریشه‌یابی این تغییرات در اختیار تحلیلگران قرار می‌دهد.

از منظر فقهی، هرگونه استفاده ابزاری از این واکنش‌ها برای فریب افکار عمومی، ترویج دروغ، شایعه‌پراکنی یا ایجاد موج‌های منفی، با اصول شرعی اسلام مغایرت دارد. علاوه بر این، رعایت حریم

خصوصی کاربران و احترام به حق آن‌ها در ابراز نظر آزادانه، از جمله مسائلی است که در سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای باید مورد توجه فقهی قرار گیرد.

۳. حکم فقهی لایک

ادله فقهی متعددی در تعیین حکم دکمه‌های لایک نقش دارند؛ اما نباید از اهمیت شناخت نوع محتوا از جنبه‌های مختلف چشم پوشید. بدیهی است که صدور هر حکم، وابسته به تحقق شرایط خاص خود و دقت در تطبیق آن با مصادیق مربوطه است. در این پژوهش یکی از مهم‌ترین ادله مغفول در این موضوع بررسی می‌شود.

در منابع دینی حدود ۷۰ روایت نقل شده‌است که بر شراکت فرد راضی یا حامی از افعال دیگران در اعمال آن‌ها تأکید دارد، تا جایی که برخی علما این آموزه‌ها را «مستفیض» دانسته‌اند (علامه مجلسی، ۱۴۱۰ق: ج ۵۳: ۳۷؛ نجفی جواهری، ۱۳۶۲: ج ۲۱: ۳۷۵). ولی باید توجه داشت این حجم از نقل، جایگاه و اعتباری فراتر از «استفاضه» به این روایات می‌دهد. از این رو برخی منابع این آموزه‌ها را «متواتر» دانسته‌اند (سلیمانی و درایتی، ۱۳۸۷: ج ۲: ۴۵۰). بنابراین با اثبات تواتر، بررسی سندی این روایات چندان ضروری به نظر نمی‌رسد. بااین‌حال، بررسی‌های سندی انجام‌شده در این مقاله، صرفاً به‌منظور رعایت دقت علمی و التزام به روش‌های پژوهشی صورت گرفته‌است. بنابر تواتر نقل این آموزه‌ها، توجه به جایگاه حساس آن‌ها به شفاف‌سازی ابعاد فقهی دکمه‌های واکنشی کمک شایانی می‌نماید.

۳-۱. از تأیید تا انکار: تاثیر رضایت و سخط در روابط انسانی

از منظر لغوی، مفاهیمی مانند انتخاب، پسندیدن و اقبال قلبی به شیء موافق با امیال، بیانگر معنای رضایت هستند (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۱۹: ۴۶۲). در مقابل، واژه سخط به‌عنوان متضاد رضایت مطرح شده‌است (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ق: ج ۲: ۱۴۰۲). بااین‌حال، در متون روایی، رضایت نه‌تنها در برابر سخط، بلکه در تقابل با مفاهیمی همچون غضب، رضایت دادن به امر مخالف و مقابل، کراهت و إنکار نیز به کار رفته‌است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸: ۱۳۸؛ سید رضی، ۱۴۰۲: حکمت ۳۴۹؛ ابن أشعث، بی‌تا: ۱۷۱؛ ورام، ۱۴۱۰ق: ج ۱: ۷۳).

در نظام حقوقی فعلی، رضایت نسبت به اعمال مجرمانه دیگران جرم محسوب نمی‌شود و همچنین رضایت از اعمال نیک دیگران، پاداشی در پی ندارد. اما در فقه شیعی، رضایت نسبت به کردار نیکوکاران یا بدکاران، دارای احکام، آثار و تبعات فقهی و حتی اجتماعی مختلفی است. به‌عنوان نمونه، تعبیر «إنّما یجمع الناسَ الرضا و السخط» (سید رضی، ۱۴۰۲: حکمت ۱۵۴)، نشان‌دهنده آن است که رضایت و سخط، دو ارزش کلیدی در شکل‌گیری احزاب، گروه‌های اجتماعی و حمایت متقابل افراد از یکدیگر محسوب می‌شوند و تأثیر بسزایی در سرنوشت این گروه‌ها دارند.

برخی متعلق فعل «یَجمَعُ» در این روایت را فراگیری عذاب الهی و رهایی از آن دانسته‌اند (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ج ۱۲: ۳۸۶). اما با توجه به عدم تصریح به متعلق اجتماع در متن این روایت و با درنظرگرفتن سایر روایات مرتبط، محدود کردن اجتماع مردم در عذاب یا نجات از آن، دلیل قانع‌کننده ندارد. بنابراین، رضایت و سخط، عامل اجتماع مردم در عرصه‌های مختلف، ازجمله مواضع سیاسی، احزاب و گروه‌ها محسوب می‌شود و اختصاص به مورد خاصی ندارد.

۳-۲. تحلیل محتوایی روایات رضایت و سخط

دسته‌بندی و تحلیل منظومه‌های روایی، در درک دقیق‌تر و جامع‌تر از منظومه‌های فکری و اعتقادی معصومین در زمینه رضایت و سخط (علیهم‌السلام) نقش مهمی دارد. در این پژوهش، هرچند مضمون برخی روایات حاکی از تبیین کبروی و صغروی قاعده «شراکت فرد راضی در اعمال دیگران» است، اما به‌طور کلی این روایات در دو گروه اصلی قابل تقسیم‌اند:

الف) روایات ناظر به تبیین قاعده فقهی و کلامی: این گروه از روایات، در مقام بیان یک قاعده کلی، دلالت بر شراکت فرد راضی به معصیت با فاعل آن دارند.[۱] (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ج ۱: ۲۷۳؛ ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۰۷؛ ابن أشعث، بی‌تا، ۱۷۱؛ لیثی، ۱۳۷۶: ۲۱۴ و ۶۴) بر اساس تواتر این دسته از روایات (سلیمانی و درایتی، ۱۳۸۷: ج ۲: ۴۵۰)، فقها بر حرمت رضایت به افعال حرام اجماع دارند (قائنی، ۱۴۰۲).

ب) روایات ناظر به تطبیق قاعده بر مصادیق مختلف: این گروه شامل روایاتی است که قاعده مذکور را بر افراد و جریان‌های مختلف تطبیق داده‌اند (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ج ۱: ۲۷۳؛ ۱۳۹۸ق: ۳۹۲؛ راوندی، ۱۴۰۹ق: ۱۴۴).

به‌جهت رعایت ایجاز، تنها یک نمونه از روایات مرتبط با محتوای ارائه‌شده در هر دو گروه بررسی می‌شود:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيادِ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمَدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحٍ الْهَرَوِيِّ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا (ع): يا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي حَدِيثٍ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ (ع) أَنَّهُ قَالَ: إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ (عج) قَتَلَ ذَرَارِيَّ قَتَلَةِ الْحُسَينِ (ع) بِفِعَالِ آبَائِهِمْ؟ فَقَالَ (ع): هُوَ كذَلِكَ فَقُلْتُ: وَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ «وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى» مَا مَعْنَاه؟ قَالَ: صَدَقَ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَقْوَالِهِ وَ لَكنْ ذَرَارِيُّ قَتَلَةِ الْحُسَينِ (ع) يرْضَوْنَ بِأَفْعَالِ آبَائِهِمْ وَ يفْتَخِرُونَ بِهَا وَ مَنْ رَضِيَ شَيئاً كانَ كمَنْ أَتَاه‌وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا قُتِلَ بِالْمَشْرِقِ فَرَضِيَ بِقَتْلِهِ رَجُلٌ فِي الْمَغْرِبِ لَكانَ الرَّاضِی عِنْدَ

---

[۱]. مانند روایت شریفه «الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كالدَّاخِلِ فِيهِ مَعَهُمْ وَ لِكلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانِ: إِثْمُ الرِّضَا بِهِ وَ إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ» با توجه به تکرار محتوای این به مضامین مختلف در روایات بسیار و نقل خود این روایت در کتب مختلف، علی المبنا به بررسی سندی این روایت، نیازی نیست.

اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شَرِيكَ الْقَاتِلِ وَ إِنَّمَا يقْتُلُهُمُ الْقَائِمُ ← إِذَا خَرَجَ لِرِضَاهُمْ بِفِعْلِ آبَائِهِمْ» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱: ۲۷۳) [۲]

این روایت ارزشمند در چهار مرحله تبیین می‌شود:

۱. **سنجش اعتبار روایات مجازات نسل قاتلین امام حسین (علیه‌السلام):** قاعده عرضه روایات بر قرآن کریم، یکی از اصول مهم و متواتر در سنجش اعتبار روایات است. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۴: ۱۴۶)، راوی با در نظرگیری این قاعده در ابتدا روایت مربوط به کشته شدن نسل و ذریه قاتلین امام حسین (علیه‌السلام) در زمان ظهور را با آموزه‌های قرآنی ناسازگار می‌یابد؛ زیرا بر اساس آموزه‌های قرآنی [۳]، هر فرد تنها مسئول اعمال خویش است و گناه دیگران، حتی اجداد او، به او سرایت نمی‌کند.

بر این اساس، در ابتدا نسبت به اعتبار این روایت تردید کرده و درباره صحت آن پرسش می‌کند. اما پس از اطمینان از اعتبار روایت [۴]، با این چالش مواجه می‌شود که چگونه روایتی که به ظاهر با آموزه‌های قرآنی در تعارض است، همچنان معتبر شناخته می‌شود؟ آیا این مسئله ناقض قاعده عرضه روایات بر قرآن نیست؟

۲. **پاسخ و تبیین مسئله** معصوم (علیه‌السلام) در پاسخ به این مسئله، چندین نکته اساسی را بیان می‌فرمایند. نخست، تمامی آیات قرآن کریم مطابق با واقع هستند. همچنین، راوی درک صحیحی از معنای آیه مورد استناد داشته‌است. اما نکته اصلی این بحث، نحوه تطبیق و عرضه روایت موردنظر بر آیه قرآن است.

در گام اول، حضرت بیان می‌کند که ذریه این قاتلین با دیگران تفاوت دارند؛ چراکه نه‌تنها از جنایات اجداد خود ابراز ندامت نکرده‌اند، بلکه به آن افتخار کرده و آن را تأیید می‌کنند. در گام بعد، قاعده‌ای کبروی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه هر کس به عملی رضایت دهد، همانند فردی است که آن عمل را انجام‌داده‌است. همان‌طور که دانسته شد، این قاعده در بسیاری از روایات با مضامین و تطبیقات گوناگون نقل شده‌است.

۳. **تطبیق قاعده بر مسئله:** این قاعده بر مسئله مطروحه از سوی راوی تطبیق داده می‌شود: علت مجازات این افراد در زمان ظهور، رضایت آن‌ها به جنایت اجدادشان یعنی شهادت امام حسین (علیه‌السلام) است. با توجه به این‌که نفس رضایت به گناه، ازنظر فقهی و کلامی به عنوان

---

۲. سند روایت علی المبنا صحیح است.

۳. لازم به ذکر است تعبیر «لاتزر وازرة وزر أخری» پنج بار در قرآن کریم تکرار شده‌است: انعام: ۱۶۴، اسراء: ۱۵، فاطر: ۱۸، زمر: ۷، نجم: ۳۸

۴. زیرا تعبیر «هو کذلک» در روایت، برای تایید اعتبار و صدور روایت مجازات ذریه قاتلین و تعبیر «صدق الله فی جمیع أقواله» در بیان تایید آیه «لاتزر وازرة وزر أخری» از سوی معصوم (علیه السلام) می‌باشد.

اولی مانند دروغ، گناه محسوب می‌شود (سید رضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۱۵۴) [۵] و اجماع فقها بر این مطلب (قائنی، ۱۴۰۲)، خروج مسئله رضایت و سخط از این آموزه قرآنی، از باب تخصص است؛ بدین معنا که رضایت و سخط، اساساً مصداق این آموزه قرآنی نیستند تا بتوان ادعا کرد که روایت مذکور، آن‌ها را از تحت قاعده خارج کرده‌است.

۴. **ابعاد فقهی قاعده رضایت و سخط**: وجود ظرفیت‌های فقهی گسترده در روایات رضایت و سخط، منجر به تدوین قاعده فقهی «حرمت رضایت به گناه» شده‌است (قائنی، ۱۴۰۲). مطابق با این قاعده، فردی که به ظلم یا هر گناه دیگری رضایت دهد، در آن گناه شریک بوده و رضایت او حرام خواهد بود که بر همین اساس چنین فردی با ظالم شریک است. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج۲: ۳۳۳)

۴. چالش‌های تطبیق قاعده رضایت و سخط بر لایک

در تطبیق این قاعده بر تأییدات در فضای مجازی (لایک) چالش‌هایی وجود دارد، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که همه آن‌ها قابل رفع هستند. لازم به ذکر است نقطه مقابل احکام رضایت، بر سخط صادق است.

۴-۱. بررسی تفاسیر مختلف از رضایت و سخط

تفاسیر متعددی در تبیین این دو مفهوم در این دسته از روایات ارائه شده‌است در این بخش سه مورد از این تفاسیر بررسی می‌شود:

۱. **رضایت از مقوله انفعال (هماهنگی و همنوایی با طبع):** رضایت به معنای سازگاری و هماهنگی یک امر با طبع انسان و سخط به معنای ناسازگاری و ناهماهنگی با آن است. به‌عنوان مثال، فردی که از شنیدن موسیقی احساس خوشایندی پیدا می‌کند، هرچند خود مستقیماً به آن گوش ندهد، در این معنا نوعی رضایت را تجربه می‌کند. بااین‌حال، اختیاری بودن چنین رضایتی محل تردید است، زیرا بر اساس این تفسیر، رضایت از مقوله انفعال محسوب می‌شود. هرچند فرد می‌تواند با مجاهدت نفسانی این صفت را از خود دور کند، اما هماهنگی با طبع، معمولاً امری غیرارادی و خارج از اختیار انسان است (قائنی، ۱۴۰۲) با توجه نقش اختیار در تعلق تکالیف، از منظر نگارندگان این تفسیر نمی‌تواند با احکام فقهی رابطه خوبی برقرار نماید زیرا مطابق برهان إنّی، تعلق آثار و عقوبات مختلف بر فرد راضی یا ساخط، کاشف از اختیار آن‌ها در ارتکاب فعل رضایت و سخط است.

۲. **رضایت به معنای اظهار حالت درونی:** در این خوانش، مقصود از رضایت و سخط، ابراز و اظهار آن‌هاست. برای تبیین این مسئله، به رضایت انشایی در معاملات استشهاد می‌شود، به

---

۵. مانند روایت «الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كالدَّاخِلِ فِيهِ مَعَهُمْ وَ عَلَى كلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِثْمَانِ إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَ إِثْمُ الرِّضَى بِه»

این معنا که در معاملات، لازم است افراد رضایت خود را به‌صورت آشکار اعلام کنند. در این راستا، قدر متیقن از رضایت به گناه در این روایات، همان ابراز و اظهار آن است. ازآنجاکه ابراز و اظهار، امری اختیاری است، می‌توان آن را مشمول تکلیف دانست و درنتیجه، تعلق عقوبت به رضایت نسبت به امور حرام در این چارچوب قابل توجیه خواهد بود (همان).

۳. **رضایت از مقوله فعل جوانحی:** بر اساس این تفسیر، رضایت امری قلبی و باطنی محسوب می‌شود، همانند ایمان به نماز و روزه. با توجه به اینکه اعمال قلبی، علی‌رغم باطنی بودن، در زمره افعال اختیاری قرار می‌گیرند، تعلق تکلیف و به‌تبع آن، عقوبت بر رضایت نسبت به امور حرام در این معنا بدون اشکال است (همان). برای مثال قرآن کریم برخی از گمان‌ها را گناه می‌داند (حجرات: ۱۲)

تعیین تفسیر صحیح از رضایت، نیازمند پژوهشی مستقل است، ولی نگارندگان تفسیر دوم یا سوم را بر تفسیر اول ترجیح می‌دهند. به هر حال، اگر مراد از رضایت، اظهار آن باشد، در این صورت، ازآنجاکه لایک نوعی ابراز و اظهار رضایت از محتواست، نیازی به واسطه میان لایک و رضایت نخواهد بود و بحث از اعتبار نیت در حکم لایک بی‌معناست. بااین‌حال، بنابر دیگر تفاسیر رضایت (همنوایی با طبع یا فعل جوانحی) همچنان مجال بحث از اعتبار نیت در حکم لایک وجود دارد.

۴-۲. تعیین میزان مشارکت با فاعل

ممکن است اشکال شود برخی افراد، با مشاهده گناه دیگران، از وقوع آن در عالم خارج احساس لذت می‌کنند، اما خود هرگز حاضر به ارتکاب آن نیستند. در پاسخ باید گفت که یکی از ملاک‌های مهم برای ترتب عقاب، وجود اختیار است. در فرض این اشکال، رضایت فرد از نوع انفعال محسوب می‌شود، نه یک فعل قلبی اختیاری. به دلیل آنکه حصول چنین حالتی معمولاً خارج از اراده و اختیار شخص است، تا زمانی که این رضایت منفعلانه به مرحله فعل جوانحی نرسد، نمی‌توان آن را مشمول احکام و آثار فقهی رضایت به گناه دیگران دانست. اما چالش مهم این است که فرد راضی تا چه میزان در عمل فاعل سهیم است؟

بررسی‌ها حاکی از آنست که به طورکلی در بیشتر روایات گروه اول (تبیین قاعده فقهی و کلامی) تنها به تنزیل و تشبیه فرد راضی به عمل فاعل با تعبیراتی همچون «کان کمن أتاه» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱: ۲۷۳) و» کان کمن شهده» (ابن اشعث، بی‌تا: ۱۷۱) اکتفا شده‌است. در حالی‌که در روایات گروه دوم (تطبیق قاعده بر مصادیق مختلف) آثار و تبعات مخصوصی بر فرد راضی مترتب شده‌است. ترتب این‌گونه آثار بر فرد راضی، نشان‌دهنده ظرفیت بالای این روایات برای مباحث فقهی است. بنابراین، ادعای اینکه این روایات تنها ناظر به مسائل کلامی و اخلاقی هستند و در استنباط احکام فقهی کاربردی ندارند، مردود خواهد بود گرچه بحث از مباحث فقهی این روایات مجالی جداگانه می‌طلبد. برخی از این آثار مخصوص عبارت‌اند از:

۱. **لعن و نفرین**: در زیارات مختلف، شخصی که به اعمال قاتلین و دشمنان اهل‌بیت (علیهم السلام) رضایت دهد، با مضامینی شبیه «لَعَنَ اللَّهُ أمّة سَمِعَت بِذلِکَ فَرَضِیَت بِهِ» لعنت می‌شود (ابن مشهدی، ۱۴۱۹ق: ۸۲ و ۲۷۸ و ۴۷۰).

۲. **قتل**: قرآن کریم، افراد راضی به قتل پیامبران الهی را، به قاتل دانسته و آنان را دروغگو و بی‌ایمان معرفی می‌کند: « ... فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؟» (بقره: ۹۱) و «فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِين؟» (آل‌عمران: ۱۸۳) بر أساس روایات، مخاطبین این آیات، یهودیانی بودند که ۵۰۰ سال بعد از ماجرای قتل پیامبران الهی زندگی می‌کردند. آنان نه‌تنها از اعمال گذشتگان خود برائت نجستند، بلکه از آن اعمال راضی بودند. ازاین‌رو، خداوند آنان را به مجرد این عمل، قاتل نامید (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ تبریزی، ۱۳۶۹ق: ۲۷).

۳. **عذاب الهی**: در داستان قوم ثمود، اگرچه یک نفر ناقه حضرت صالح (ع) را پی کرد، اما به دلیل اینکه افراد قوم با رضایت خود، هم‌فکری و پشتیبانی خویش را از این اقدام اعلام نمودند، عذاب الهی بر تمام قوم نازل شد. قرآن کریم می‌فرماید: «فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ ...» (اعراف: ۷۷) در روایات تفسیری، به‌صراحت آمده‌است که این رضایت و همراهی، سبب اسناد قتل ناقه به همه افراد آن قوم شده‌است ولی درواقع فرد مشخصی ناقه را پی کرده بود. «فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمُّوه بِالرِّضَا فَقَالَ سُبْحَانَهُ فَعَقَرُوها فَأَصْبَحُوا نادِمِين» (سید رضی، ۱۴۰۲: حکمت ۱۵۴). همچنین قوم نوح نیز سرنوشتی مشابه داشتند (شیخ صدوق، ۱۳۹۸ق: ۳۹۲)[۶].

ممکن است گفته شود از آنجایی که در اکثر روایات، وجه شبه فرد راضی با فاعل عمل ذکر نشده، می‌توان با استناد به قاعده «حذف المتعلق یفید العموم» (سید مجاهد، ص ۱۶۰) نتیجه گرفت که فرد راضی در تمام آثار و تبعات عمل، مانند فاعل شریک است. اما این ادعا هم از جهت اصولی و هم از جهت فقهی مخدوش است:

از آنجایی که از منظر اصولی تنزیل، اطلاق ندارد و برای اثبات اطلاق در تنزیل، وجود قرینه ضروری است، چنین عباراتی (کان کمن أتاه) مجمل خواهند شد. بنابراین در صورت نبود قرینه باید به قدر متیقن اکتفا کرد (شب‌زنده‌دار، ۱۴۰۳). قدر متیقن از تنزیل راضی به فاعل، ترتب بارزترین آثار عمل فاعل، یعنی گناه بودن عمل و حرمت آن (همان) و شقاوت فرد راضی و عقوبت اوست. شاهد مهم بر این مطلب، گناه بودن نفس رضایت به معصیت است (سید رضی، ۱۴۰۲: حکمت ۱۵۴).

---

۶. اَلْهَمْدَانِی عَنْ عَلِی عَنْ أَبِیهِ عَنِ اَلْهَرَوِی عَنِ الرِّضَا عَلَیهِ السَّلاَمُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ لِأَیِّ عِلَّةٍ أَغْرَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الدُّنْیا کلَّهَا فِي زَمَنِ نُوحٍ عَلَیهِ السَّلاَمُ وَ فِیهِمُ الْأَطْفَالُ وَ فِیهِمْ مَنْ لاَ ذَنْبَ لَهُ فَقَالَ عَلَیهِ السَّلاَمُ مَا کانَ فِیهِمُ الْأَطْفَالُ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْقَمَ أَصْلاَبَ قَوْمِ نُوحٍ عَلَیهِ السَّلاَمُ وَ أَرْحَامَ نِسَائِهِمْ أَرْبَعِینَ عَاماً فَانْقَطَعَ نَسْلُهُمْ فَغَرِقُوا وَ لاَ طِفْلَ فِیهِمْ وَ مَا کانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِیهْلِک بِعَذَابِهِ مَنْ لاَ ذَنْبَ لَهُ وَ أَمَّا الْبَاقُونَ مِنْ قَوْمِ نُوحٍ عَلَیهِ السَّلاَمُ فَأُغْرِقُوا لِتَکذِیبِهِمْ لِنَبِی اللَّهِ نُوحٍ عَلَیهِ السَّلاَمُ وَ سَائِرُهُمْ أُغْرِقُوا بِرِضَاهُمْ بِتَکذِیبِ الْمُکذِّبِینَ وَ مَنْ غَابَ عَنْ أَمْرٍ فَرَضِی بِهِ کانَ کمَنْ شَهِدَه وَ أَتَاه. با توجه به مطالب مطرح شده در این نوشتار، در استفاده مذکور نیازی به بررسی سندی نیست.

و از منظر فقهی، ترتب تمامی آثار فاعل بر فرد راضی، با مسلّمات فقهی سازگار نیست. به‌عنوان نمونه، در مسئله رضایت به قتل، روشن است که فرد راضی، احکام قاتل، مانند وجوب قصص، دیه و یا منع از ارث را ندارد. این مسئله نشان می‌دهد که شراکت فرد راضی در عمل، به طور مطلق نیست. به‌این‌ترتیب، اگرچه رضایت به یک عمل، آثار مهمی دارد و ممکن است فرد راضی را در بسیاری از نتایج آن شریک سازد، اما در مقام استنباط حکم، تعیین میزان این مشارکت باید همراه با رعایت قواعد فقهی و اصولی در تطبیق باشد. با توجه به مطالب ذکر شده، رعایت نکات زیر در تعیین میزان مشارکت با فاعل ضروری است:

الف) فرد راضی، در تمام احکام و آثار با فاعل شریک نیست؛ زیرا پذیرش چنین حکمی در بسیاری از موارد با مسلمات فقهی مغایر است. از این رو هیچ فقیهی به آن ملتزم نمی‌شود. به‌عنوان‌مثال، در رضایت به قتل، فرد راضی بر خلاف فاعل، به قصاص، دیه و منع ارث محکوم نمی‌شود. (شب زنده‌دار، ۱۴۰۳)

ب) درجه اهمیت و حساسیت و نوع متعلق رضایت، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده میزان شراکت فرد راضی در آثار و احکام است. در صورت وجود دلیل خاص بر ترتب دیگر آثار مانند لعن، عذاب الهی، برائت الهی و غیره بر فرد راضی، لازم است این آثار را در همه مصادیق مشابه نیز جاری دانست. این حکم، با محدود بودن تنزیل به بارزترین آثار منافاتی ندارد؛ بلکه صرفاً تعیین موردی این آثار در برخی مصادیق است. اما باید توجه داشت حداقل میزان شراکت فرد راضی در تمامی موارد رضایت، مشارکت قطعی او در اصل عمل نیک یا شر (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق: ج ۱۰، ص ۱۳۹) و سعادت و شقاوت و ثواب و عقوبت و حرمت (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۱: ۲۱۸؛ مازندرانی، ۱۳۸۲ ق: ج ۱۰: ۱۰۷) است.

با توجه به مطالب فوق، لایک یا فول لایک محتوای حرام (ترویج گناه و فحشا)، مصداق رضایت به گناه بوده و حرام است و فرد لایک‌کننده در تمامی موارد، حداقل در اصل گناه و شقاوت وعقوبت فاعل شریک خواهد بود. در مقابل، لایک محتوای مثبت و درخشان، علاوه بر ترویج ارزش‌های والا در جامعه، مشارکت لایک‌کننده در اصل عمل نیک، سعادت و ثواب نشر آن محتوا با فاعل را به همراه دارد. همچنین دیس‌لایک محتوای حرام و آلوده به گناه، مصداق تنفر، انکار و سخط نسبت به آن است. این رفتار براساس آموزه‌های روایی (سید رضی، ۱۴۰۲: حکمت ۱۵۴؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ق: ۴۵۶)، باعث جلوگیری از انتشار گناه شده و فرد را از شراکت در حرمت و عقوبت نشر آن معصیت دور نگه می‌دارد.

۴-۳. وسعت دامنه تطبیقی روایات

شمول متعلق این روایات از ابعاد مختلف زمانی، مکانی، فعلی و فاعلی نشان‌دهنده آن است که رضایت نسبت به هر عملی، در هر زمان و مکان، از سوی هر فاعلی، موجب شراکت با انجام‌دهنده آن عمل

خواهد شد. با درنظرگرفتن ضرورت تشکیل و بررسی منظومه‌های روایی، تصریح برخی از روایات بر شمول متعلق رضایت از نظر زمانی، مکانی و فاعلی هر گونه شبهه‌ای را در این خصوص مترفع می‌سازد. برای هر کدام یک مورد به عنوان نمونه ذکر می‌شود:

۱. **شاهد بر اتساع زمانی:** همان‌طور که دانسته شد، در پیشگاه خداوند افرادی که ۵۰۰ سال پس از قاتلین پیامبران الهی آمده‌اند، به دلیل رضایت به اعمال آنان، قاتلند. (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱: ۲۰۸-۲۰۹) [۷]

۲. **شاهد بر اتساع مکانی:** رضایت فردی در مغرب، نسبت به قتلی که در مشرق رخ داده، موجب شراکت او در آن قتل می‌شود (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ج ۱: ۲۷۳) [۸].

۳. **شاهد بر اتساع فردی:** تمام انسان‌های اولین و آخرین که به عمل بدعت‌گذاران راضی باشند، لعن شده‌اند (ابن طاووس، ۱۳۳۰ق: ۴۸۰) [۹].

این روایات، ضمن تصریح به گستردگی متعلق رضایت از جهات مختلف، بر لزوم دقت و حساسیت در واکنش‌های ظاهری و عرفی، از جمله لایک و دیس‌لایک، تأکید دارند. بنابراین، بدون استثناء، احکام و آثار رضایت و سخط بر لایک، فول لایک و دیس‌لایک نسبت به محتواهای گوناگون، از نظر زمانی، مکانی و فاعلی مترتب می‌شود. به‌عنوان نمونه، لایک محتوایی که در دفاع از قاتلین امام حسین (علیه‌السلام) منتشر شده، موجب شراکت در گناه قتل آن حضرت است و فاصله زمانی و مکانی قاتلین با لایک‌کننده، مانع نیست. (زیرا این احکام به نحو قضیه حقیقیه هستند) علاوه بر انطباق روایات قاعده رضایت بر این مسئله، روایات متعددی به‌طور خاص درباره آثار و تبعات سنگین رضایت به قتل امام حسین (علیه‌السلام) نقل شده‌است (امام حسن عسکری (علیه‌السلام)، ۱۴۰۹ق: ۳۶۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۱: ۲۰۹؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق: ج ۱: ۲۷۳؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۱: ۳۱۲-۳۱۳) [۱۰]

۴-۴. علت شراکت فرد راضی و بررسی تعارضات

هدف این بخش، رفع موانع اساسی در استدلال به ادله رضایت و سخط برای بحث لایک است. یکی از مهم‌ترین چالش‌های این بحث، تبیین رابطه میان رضایت قلبی فرد و تحقق شراکت او در آثار و

---

[۷]. عن عمر بن معمر قال أبو عبد الله لعن الله القدرية لعن الله الحرورية لعن الله المرجئة لعن الله المرجئة، قلت له جعلت فداك كيف لعنت هؤلاء مرة، و لعنت هؤلاء مرتين فقال: إن هؤلاء زعموا أن الذين قتلونا مؤمنين-فثيابهم ملطخة بدمائنا إلى يوم القيامة أما تسمع لقول الله «الَّذِينَ قالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَينا أَلَّا نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ-حَتَّى يأْتِينا بِقُرْبانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جاءَكُمْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِي بِالْبَيِناتِ» إلى قوله «صادِقِينَ» قال: فكان بين الذين خوطبوا بهذا القول-و بين القاتلين خمس مائة عام، فسماهم الله قاتلين برضاهم بما صنع أولئك! سند این روایت، علی المبنا صحیح است.

[۸]. در بخشی از متن این روایت صحیح آمده‌است: » لو أن رجلا قتل بالمشرق فرضی بقتله رجل فی المغرب ...» که در سابق توضیح داده شد.

[۹]. «وَ الْعَنْ أَشْياعَهُمْ وَ أَتْبَاعَهُمْ وَ مَنْ رَضِيَ بِفِعَالِهِمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الآخِرِين» با توجه به تکرار زیاد این تعابیر در روایات مختلف، علی المبنا به بررسی سندی نیازی نیست.

[۱۰]. در صفحات گذشته یک نمونه از این روایات به طور کامل تحلیل و بررسی شد.

تبعات گناه است. چگونه می‌توان پذیرفت که فردی بدون هیچ‌گونه مباشرت یا معاونت در فعل حرام، صرفاً به دلیل رضایت قلبی، در تبعات آن سهیم باشد؟ اهمیت این پرسش ازآن‌رو مضاعف می‌شود که با مسئله‌ای بنیادین در ارتباط است.

برخی فقها بر این باورند که روایات دال بر حرمت رضایت به معصیت دیگران، به‌طریق‌اولی دلالت بر حرمت و استحقاق عقاب برای قصد ارتکاب معصیت دارد. به این معنا که اگر رضایت به گناه دیگران حرام باشد، قصد ارتکاب همان گناه نیز باید حرام و مستوجب عقاب باشد (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۱: ۱۳). این استدلال مبتنی بر ملازمه عرفی بالأولویه است (شب‌زنده‌دار، ۱۴۰۳). بااین‌حال، حرمت قصد معصیت با دو چالش مواجه است:

۱. بسیاری از روایات تصریح دارند که صرف نیت گناه، معصیت محسوب نمی‌شود (شیخ صدوق، ۱۳۹۸ق: ۴۰۸-۴۰۹؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱: ۳۸۷؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق: ج ۶۸: ۲۴۸-۲۴۹) [۱۱]. این روایات، با روایاتی که بر حرمت رضایت به گناه دلالت دارند، در تعارض‌اند. بنابراین، صرفاً بر مبنای این روایات نمی‌توان به حرمت رضایت به گناه حکم کرد.

۲. پذیرش هم‌زمان معصیت بودن رضایت به گناه و معصیت بودن قصد آن، مستلزم التزام به سه عقوبت مستقل برای فاعل گناه خواهد بود: عقوبت بر رضایت به گناه، عقوبت بر قصد گناه، و عقوبت بر انجام خارجی آن گناه. این نتیجه، نه‌تنها با ارتکازات متشرعه سازگار نیست، بلکه هیچ‌یک از فقها نیز به آن التزام نداشته‌اند (شب‌زنده‌دار، ۱۴۰۳).

پس از بررسی نه راه‌حل پیشنهادی از سوی پژوهشگران، به نظر نگارندگان، کارآمدترین راه‌حل برای رفع تعارض این مسئله، بدون آنکه نیازی به تصرف گسترده در روایات باشد، تفکیک دقیق میان «رضایت به گناه» و «نیت فعل گناه» است.

در نظام اراده و اختیار انسان، هر عملی که فرد انجام می‌دهد، بازتاب مراحل یک فرآیند درونی شامل تصور عمل، تمایل به انجام آن، تصمیم‌گیری و نهایتاً جزم بر اجرای آن در خارج است (هاشمی خوئی، ۱۳۵۸: ج ۲۱: ۲۳۸). ازاین‌رو، اعمال جوارحی، تجلی و تحقق خارجی نیات و تصمیمات قلبی بوده و لباس اعمال جوانحی هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲: ۲۹۴؛ سند بحرانی، ۱۴۳۱ق: ۴۶)[۱۲].

با توجه به این امر، ازآنجاکه در روایات، عقوبتی برای نیت گناه مقرر نشده اما برای رضایت به آن عقوبت در نظر گرفته شده و از طرفی، نصوص صریحی نیز بر معصیت بودن رضایت به گناه دلالت دارند، می‌توان با استفاده از برهان إنّی نتیجه گرفت که نیت گناه، به‌تنهایی موجب شکستن حریم الهی

---

[۱۱]. برای نمونه: » عن زرارة عن أبي عبد الله ع قال: ... و من هم بالسيئة و لم يعملها لا يكتب عليه، و من عملها كتبت عليه سيئة واحدة» تعداد بسیار زیاد روایت روایات در این مطلب، موجب بی‌نیازی از بررسی سندی است.

[۱۲]. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى بْنِ عُبَيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرَفَةَ قَالَ قَالَ لِيَ الرِّضَا (ع) وَيحَكَ يا ابْنَ عَرَفَةَ اعْمَلُوا لِغَيرِ رِياءٍ وَ لَا سُمْعَةٍ فَإِنَّهُ مَنْ عَمِلَ لِغَيرِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى مَا عَمِلَ وَيحَكَ مَا عَمِلَ أَحَدٌ عَمَلًا إِلَّا رَدَّاه اللَّهُ إِنْ خَيراً فَخَيرٌ وَ إِنْ شَرّاً فَشَر. سند روایت علی المبنا صحیح است.

نمی‌شود. بلکه تمایل درونی فرد به گناه، صرفاً کاشف از ضعف درونی مذموم یا غفلت اوست؛ اما ازآنجاکه هنوز فعلی در خارج محقق نشده، شکستن حریم الهی نیز به وقوع نپیوسته‌است.

در مقابل، رضایت به یک فعل، اغلب به معنای آمادگی کامل فرد برای انجام آن و اهتمام او به وقوع آن است. چنین فردی، نه‌تنها از حیث قلبی با فاعل گناه هم‌نظر است، بلکه وقوع آن را تأیید کرده و از آن خرسند می‌شود. در اینجا، شکستن حریم الهی به‌صورت کامل محقق شده و فرد، با رضایت خود، به نحوی در آن مشارکت دارد. از همین‌رو، رضایت و اهتمام او به گناه، صرفاً در سطح نیت باقی نمی‌ماند، بلکه فراتر رفته و تأیید، همراهی و حمایت از فاعل گناه را نیز در بر می‌گیرد. این تفکیک نشان می‌دهد که تفاوتی جوهری میان نیت گناه و رضایت به آن وجود دارد.

این تحلیل، علت معصیت بودن و حرمت رضایت به گناه را به‌طور دقیق تبیین کرده و تعارض ظاهری میان ادله نیت و ادله رضایت را برطرف می‌سازد. در نتیجه، مبنای فقهی حرمت رضایت به گناه استحکام بیشتری یافته و از برداشت‌های ناصحیح که تعارض را مفروض گرفته و تلاش در رفع آن دارند، اجتناب می‌شود.

۵. قرائت عرف از لایک و نقش آن در تطبیق ادله

با توجه به مرجعیت عرف در تشخیص مصادیق موضوعات احکام فقهی، در پاره‌ای از موضوعات، صرف صدق عرفی تحقق موضوع، چهت ترتب احکام فقهی کفایت می‌کند (شیخ انصاری، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۳۴-۱۳۵)، در این مسئله نیز صرف استفاده از دکمه‌های واکنش، مانند لایک، برای اثبات حمایت و رضایت مخاطب کفایت می‌کند و اثبات آن لزوماً وابسته به قصد فرد نیست. گرچه وجود قصد و نیت، تحقق موضوع را از جهت ترتب احکام و آثار فقهی تقویت می‌کند، اما در اغلب موارد، لایک‌ها برخاسته از نیت واقعی کاربران هستند.

کوتاه سخن در توضیح مطلب این که در بسیاری از موارد، عرف، احکام مصادیق غالب را به موارد غیرغالب نیز تعمیم می‌دهد. از این رو در نگاه عرف، لایک‌هایی که صرفاً با هدف دنبال‌کردن محتوا یا اعلام مشاهده آن انجام می‌شوند، با لایک‌های ناشی از حمایت و رضایت تفاوتی ندارند. به دیگر سخن، عرف معمولاً میان انگیزه‌های مختلف کاربران در لایک‌کردن یک محتوا تمایزی قائل نشده و همه آن‌ها را در زمره حامیان و موافقان آن محتوا قرار می‌دهد.

بررسی منابع مختلف پیرامون مفهوم لایک نشان می‌دهد که عوامل متعددی در شکل‌گیری این باور عرفی نقش دارند. از جمله این عوامل می‌توان به طراحی هوشمندانه بسترهای دیجیتال برای ابراز واکنش‌ها (علی رهبر، ۱۳۹۸: ۴۱)، کیفیت و نوع محتوای ارائه‌شده و جایگزینی تدریجی و نامحسوس ابراز واکنش در فضای مجازی به جای تعاملات واقعی اشاره کرد. این روند به‌گونه‌ای پیش رفته که عالم مجازی بر عالم واقع غلبه یافته تا جایی‌که تفکیک و مرزبندی میان این دو، دشوار شده‌است و فرهنگ و سبک زندگ و تعاملات اجتماعی آنان از ادبیات رایج در فضای مجازی متاثر شده‌است

(همان). از سوی دیگر، محدودیت اطلاعات کاربران نسبت به محتوای ارائه‌شده و واکنش‌های دیگران، سبب شده این شبکه‌ها به منبع اصلی شناخت افراد از شخصیت، باورها و ارزش‌های یکدیگر تبدیل شوند.

مجموع این عوامل باعث می‌شود لایک در بسیاری از موارد بیانگر واکنش و موضع واقعی کاربران محسوب شود. بنابراین، حتی اگر لایک صرفاً برای اعلام بازدید از یک مطلب یا ابراز دوستی با منتشرکننده محتوا باشد، عرف آن را به‌عنوان نمودی از تأیید و همراهی تلقی می‌کند. به همین علت، از دیگاه عرفی لایک و فول لایک نشان‌دهنده حمایت و رضایت مخاطب از محتواست، درحالی‌که دیس‌لایک نشانه سخط، تنفر و بیزاری تلقی می‌شود. در این میان، قصد و هدف مخاطب از این واکنش‌ها تأثیر چندانی در معنای آن‌ها ندارد و صرف استفاده از این گونه ابزارها برای حکم عرف در مورد آن‌ها کفایت می‌کند و به تبع آن امضای شرعی را به همراه دارد.

بر اساس آنچه گفته شد، ترتب آثار و تبعات ادله رضایت و سخط بر لایک و سایر قابلیت‌های واکنشی در فضای مجازی، تسهیل می‌شود. هرچند ممکن است بررسی نهایی ادله، به اعتبار نیت و غرض در ترتب برخی احکام بر لایک‌کننده منجر شود، اما مجموع عوامل مذکور برای تحقق موضوع ادله رضایت و سخط کفایت می‌کند. بنابراین، با تحقق موضوع، احکام فقهی مربوط به رضایت و سخط بر فرد لایک‌کننده مترتب می‌شود. هرچند در سبک زندگی امروزی، لایک ممکن است بار مسئولیت حقوقی و کیفری نداشته باشد، اما این موضوع مانع ترتب احکام و آثار رضایت و سخط بر لایک نیست. زیرا با توجه به این‌که از طرفی تمام شرایط لازم برای تحقق موضوع این ادله فراهم است و از طرف دیگر مانعی هم برای ترتب این احکام و آثار وجود ندارد، با تحقق موضوع، حکم بدون اشکال مترتب می‌شود. ازاین‌رو تحقق حکم فقهی، به‌معنای الزام حقوقی نیست و ممکن است یک رفتار از نظر حقوقی مسئولیت‌آور نباشد، اما از نظر فقهی دارای آثار و تبعات باشد.

بحث

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که لایک کردن محتوای گناه‌آلود در شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه از منظر فقهی، مشارکت در گناه محسوب می‌شود. این نتیجه با فرضیه‌های اولیه هم‌خوانی دارد که لایک به‌عنوان تأیید ضمنی و نسبی محتوا در فضای مجازی تلقی می‌شود. رضایت فرد از محتوای منتشرشده، حتی به‌طور غیرمستقیم، موجب شراکت در گناه است.

۱. **تفسیر نتایج**: نتایج تحقیق به وضوح نشان می‌دهند که رضایت از محتوای گناه‌آلود در فضای مجازی، از طریق لایک کردن، تأثیرات فقهی جدی دارد. این یافته با فرضیهٔ اولیه مبنی بر تأیید محتوای منتشرشده از طریق لایک، هم‌خوانی دارد و درواقع به‌عنوان تأیید عملی گناه و مشارکت در آن تلقی می‌شود.

۲. **مقایسه با تحقیقات پیشین**: این تحقیق در مقایسه با پژوهش‌های قبلی، به‌ویژه «لایک ممنوع» (حسینی، ۱۴۰۱) و «احکام شبکه‌های اجتماعی» (صادقی، ۱۳۹۵)، به‌طور جامع‌تری به تحلیل فقهی لایک پرداخته‌است. در حالی که پژوهش‌های قبلی بیشتر بر ابعاد اخلاقی و اجتماعی تمرکز کرده‌اند، این تحقیق به طور ویژه به تطبیق ادله رضایت و سخط بر لایک کردن پرداخته و ابعاد فقهی آن را به دقت بررسی کرده‌است.

۳. **محدودیت‌ها**: محدودیت اصلی این تحقیق، کمبود منابع فقهی تطبیقی در زمینه لایک و سایر واکنش‌ها است. همچنین، به دلیل نوظهور بودن این پدیده، فقه اسلامی نیاز به ورود جدی و همه جانبه در تطبیق احکام با تحولات فضای مجازی دارد.

۴. **پیشنهاد برای تحقیقات آینده**: در تحقیقات آینده، پیشنهاد می‌شود که بررسی‌های بیشتری در زمینه تطبیق فقهی رفتارهای دیجیتال و تحلیل نقش نیت در اعتبار لایک و تأثیر آن بر حکم فقهی و بررسی تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی در تأثیر لایک‌ها انجام شود.

نتایج و پیشنهادها

پژوهش حاضر بیانگر آن است که دکمه‌های لایک و دیس‌لایک در شبکه‌های اجتماعی، صرفاً ابزارهای تعاملی نیستند، بلکه پیامدهای عمیقی از دیدگاه فقهی دارند. ابراز رضایت نسبت به محتوای نامناسب، حتی به‌صورت غیرمستقیم از طریق لایک، می‌تواند در برخی موارد به شراکت در گناه منجر شود. این موضوع ضرورت بررسی دقیق‌تر تعاملات کاربران در فضای مجازی را آشکار می‌سازد.

بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فقهی و تحلیل رفتار کاربران حاکی از آنست که لایک محتوای ناپسند، علاوه بر تأثیرات فردی، موجب مشارکت در گناه ترویج ناهنجاری‌ها و ضد ارزش‌ها و تضعیف ارزش‌ها می‌شود. این یافته، بر اهمیت بازتعریف مفهوم لایک و دیس‌لایک در فضای مجازی تأکید دارد، به‌ویژه در مواردی که کاربران بدون مبالات و آگاهی از پیامدهای احتمالی، واکنش نشان می‌دهند.

حکم فقهی لایک بسته به شرایط کاربران متفاوت است، اما در بسیاری از موارد، عرف آن را تأیید و حمایت از محتوا تلقی می‌کند. این مسئله مسئولیت فقهی فردی و اجتماعی کاربران در فضای مجازی را تشدید می‌کند، زیرا واکنش‌های ظاهراً بی‌اهمیت، می‌توانند اثرات گسترده‌ای بر ارزش‌های مختلف دینی، اعتقادی و اجتماعی و غیره داشته باشند. نتایج این پژوهش بر اهمیت تدوین چارچوب‌های فقهی در حوزه تعاملات مجازی تأکید دارد. ازاین‌رو، اتخاذ سیاست‌های آگاهی‌بخش، توسعه مقررات متناسب و به‌کارگیری الگوریتم‌های هوشمند برای نظارت فقهی بر این تعاملات، می‌تواند در مدیریت صحیح این پدیده مؤثر باشد. برخی از مهم‌ترین سیاست‌ها و راهکارها برای مدیریت تأثیرات منفی لایک عبارت‌اند از:

۱. **در عرصه سیاست‌گذاری**: تدوین مقررات واکنش‌های مجازی جهت افزایش شفافیت و نظارت بر کاربرد لایک و دیس‌لایک و محدودیت استفاده تبلیغاتی و سیاسی از لایک برای پیشگیری از دستکاری افکار عمومی.

۲. **در عرصه ارتقای بینش فرهنگی و تحکیم مبانی دینی**: افزودن سواد رسانه‌ای و فقهی به آموزش رسمی و برگزاری کارگاه‌های آگاهی‌بخش درباره تأثیرات فقهی و اجتماعی لایک.

۳. **در عرصه هدایت راهبردی کاربران**: استفاده آگاهانه از واکنش‌های مجازی با درنظرگرفتن پیامدهای فقهی در ارزیابی محتوای دیجیتال پیش از تأیید یا رد آن.

منابع

قرآن کریم

ابن اشعث، محمد بن محمد (بی‌تا). الجعفریات (الأشعثیات). چاپ اول. تهران: مکتبة النینوی الحدیثة.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ق). تحف العقول. چاپ دوم. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۳۰ق). جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع. قم: دار الرضی.

ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. ۶ جلد. بیروت: دار إحیاء الکتب العربیة.

ابن مشهدی، محمد بن جعفر (۱۴۱۹ ق). المزار الکبیر. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

اعرافی، علیرضا و موسوی، سید نقی (۱۳۹۰). گسترش موضوع فقه نسبت به رفتارهای جوانحی. فقه, ۱۸ (۷۰) , ۱۳۰-۸۷.

امام حسن عسکری، حسن بن علی (۱۴۰۹ق). تفسیر الإمام العسکری، قم: مدرسة الإمام المهدی.

تبریزی، موسی بن جعفر (۱۳۶۹ق). أوثق الوسائل في شرح الرسائل. قم: کتبی نجفی.

حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. ۲۰ جلد. بیروت: دار الفکر.

حسینی، سید بشیر (۱۴۰۱). لایک ممنوع. تهران: کانون اندیشه جوان.

رضایت پور، زینب (۱۳۹۷). شبکه‌های اجتماعی. تهران: عترت نو.

رهبر، علی (۱۳۹۸). بیم موج. اصفهان: مهرستان.

سلیمانی آشتیانی، مهدی و درایتی، محمدحسین (۱۳۸۷). مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی. ۲ جلد. قم: دارالحدیث.

سند بحرانی، محمد (۱۴۳۱ق). النیات و الخواطر. بیروت: الأمیرة.

سید مجاهد، محمد بن علی طباطبایی (۱۲۹۶ق). مفاتیح الأصول. قم: مؤسسة آل البیت.

سیدرضی، محمد بن حسین (۱۴۰۲). نهج البلاغة. مترجم: محمد دشتی، تهران: دفتر نشر معارف.

شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). فرائد الأصول. ۴ جلد. قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری.

ـــــــ (۱۴۲۰ق). المکاسب. ۶ جلد. قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲). الخصال. تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

ـــــــ (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا. تحقیق: نهدی لاجوردی، تهران: جهان.

ـــــــ (۱۳۹۸ق). التوحید. تحقیق: هاشم حسینی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

صادقی، محمود (۱۳۹۵). احکام شبکه‌های اجتماعی. قم: نشر معروف.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الإحتجاج. ۲ جلد. مشهد: نشر مرتضی.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. ۲ جلد. تهران: المطبعة العلمیة.

قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله (۱۴۰۹). الخرائج و الجرائح. ۳ جلد. قم: مؤسسة الإمام المهدی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. ۸ جلد. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دار الحدیث.

مازندرانی، محمد صالح (۱۳۸۲ق). شرح الکافی. ۱۲ جلد. تهران: المکتبة الإسلامیة.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). مرآة العقول. ۲۶ جلد. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

ـــــــ (۱۴۱۰ق). بحارالأنوار. ۱۱۰ جلد. بیروت: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی.

نجفی جواهری (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. ۴۳ جلد. تهران: دارالکتب الإسلامیة.

ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر. قم: مکتبه فقیه.

هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰ ق). منهاج البراعة. ۲۱ جلد. تهران: مکتبة الإسلامیة.

پایگاه‌های اینترنتی

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی مگیران، مقاله: نیک افروز (جست‌وجو برای زیست‌بوم دیجیتال) تاریخ دستیابی: ۱۹ اسفند ۱۴۰۲

B2n. ir/f94373

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی متمم (جست‌وجو برای اشتباه‌های سرنوشت‌ساز) تاریخ دستیابی: ۱۹ اسفند ۱۴۰۲

B2n. ir/u05511

۳. پایگاه اطلاع رسانی مدرسه فقهی امام محمد باقر، تقریر درس خارج استاد شب زنده‌دار (جستجو برای مرتبه قلبی) تاریخ دستیابی: ۱۸ بهمن ۱۴۰۳

https: //mfeb. ir/home/? p=13477

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی استاد قائنی نجفی (جست‌وجو برای رضایت به ظلم) تاریخ دستیابی: ۱۹ اسفند ۱۴۰۲

B2n. ir/h70106